

# فصل اول

---

## مقدمه

"Ճանաչել զիմաստութիւն եւ զխրատ, իմանալ զբանս հանճարոյ"

« دانستن حکمت و عدل، فهمیدن کلمات فطانت » (ویکی پدیا ۲۰۰۹)

جمله بالا نخستین جمله نوشته شده به خط ارمنی در قرن پنجم میلادی است. ولی سخن از قوم ارمنی، سخن از قوم بزرگ و کهنسالی است که قدمتی همزمان با آغاز تاریخ دارد. در این میان روابط ارمنیان و ایرانیان سابقه ای بس طولانی دارد. اولین شاهد صادق در باب این روابط کتیبه بیستون است که در زمان داریوش اول هخامنشی نوشته شده و در متن آن از آرمینیا (ارمنستان) نام برده شده است (آیوازیان ۱۳۸۲:۳).

پیش از ابداع الفبای ارمنی در قرن پنجم، ارمنیان از خط سریانی یا یونانی و خط و زبانهای ایرانی (پارتی و فارسی میانه) استفاده می کردند. زبانهای ایرانی، زبان مراسم مذهبی و مدرسه‌ای آن عصر بوده و در دربار و بین افراد والامقام آن زمان رسمیت داشته است (همان: ۴).

زبان شناسان ارمنی بر این باورند که در ارمنستان پیش از مسیحیت و خصوصاً در قسمت‌های مرزی آن با ایران پدیده دوزبانگی<sup>۲</sup> یعنی ارمنی-پهلوی وجود داشته است (همان: ۴). از طرف دیگر زبان ارمنی با زبان فارسی نزدیکی و درآمیختگی فراوان دارد. در روزگار هخامنشیان و نیز اشکانیان تعداد بیشماری از کلمات فارسی وارد زبان ارمنی شد (هوویان ۱۳۸۰:۲۷).

اما از زمان مهاجرت ارمنیان به ایران، تأثیر زبان فارسی بر زبان ارمنی بیشتر شد، چرا که زبان پدیده‌ای است پویا و همواره دچار تغییر و دگرگونی می‌شود و از آنجا که زبان رسمی ایران فارسی است، زبان ارمنی شدیداً تحت تأثیر زبان فارسی بوده است و واژه‌های بسیاری وارد زبان ارمنی شده است. تأثیر زبان فارسی به قدری بوده است که کاربرد برخی از واژه‌های فارسی رایج تر از معادل ارمنی آنها شده است.

<sup>1</sup> / tʃanatʃʰel zimastutʰjeun jev zxrat imanal zəbanəs hantʃaro /

<sup>2</sup> bilingualism

## ۲.۱. تبیین موضوع

آنچه که مورد توجه پژوهش حاضر است، وام‌واژه‌هایی<sup>۱</sup> که در طی قرن‌ها از زبان ایرانی وارد زبان ارمنی شده، نیست. بلکه واژه‌های فارسی است که در قرن معاصر در زبان ارمنی به کار برده می‌شود. از زمان سکونت ارمنیان در ایران، زبان ارمنی مقیم ایران دچار تغییراتی شده است. از مهم‌ترین نتایج ارتباط بین این دو قوم، برخورد زبانی<sup>۲</sup> بوده است و معمولی‌ترین و طبیعی‌ترین حالتی که در برخورد زبانی پیش می‌آید، قرض‌گیری زبانی<sup>۳</sup> است. در طی این مدت، واژه‌های فارسی بسیاری وارد زبان محاوره‌ای ارمنیان ایران شده است. امروزه در زبان محاوره‌ای ارمنی، به‌خصوص در زبان جوانان و نوجوانان واژه‌های فارسی مشاهده می‌شود که علی‌رغم وجود معادل آن‌ها در زبان ارمنی، کاربردشان به صورت فارسی جاافتاده‌تر و مصطلح‌تر است. در این پژوهش سعی می‌شود به بررسی این واژه‌ها و دلایل کاربرد آن‌ها توسط جوانان و نوجوانان ارمنی پرداخته شود.

## ۳.۱. اهداف پژوهش و ضرورت آن

برای انجام پژوهش حاضر، هدف‌های زیر دنبال می‌شوند:

- تأسیس پیکره محدودی از گفتار محاوره‌ای ارمنی ساکن شهر تهران
- بررسی تحول زبان محاوره‌ای ارمنی ساکن شهر تهران
- بررسی حوزه‌های معنایی واژه‌های فارسی در زبان ارمنی ساکن شهر تهران

---

<sup>1</sup> Loan words

<sup>2</sup> linguistic Contact

<sup>3</sup> linguistic borrowing

## ۴.۱. پرسش‌های پژوهش

این تحقیق، به منظور پاسخ دادن به پرسش‌های زیر انجام شده است:

۱. بسامد واژه‌های قرضی غیرارمنی در گفتار ارامنه ساکن شهر تهران چه رابطه‌ای با مقطع تحصیلی ( راهنمایی، دبیرستان، کارشناسی) آنان دارد؟
۲. بسامد واژه‌های قرضی غیرارمنی در گفتار ارامنه ساکن شهر تهران چه رابطه‌ای با جنسیت افراد دارد؟
۳. چه رابطه‌ای میان حوزه معنایی واژه‌های قرضی غیرارمنی مورد استفاده در گفتار ارامنه ساکن شهر تهران و بسامد آنان وجود دارد؟
۴. وضعیت واژه‌های شامل و زیرشمول در واژه‌های قرضی غیرارمنی گفتار ارامنه ساکن شهر تهران به چه صورت است؟

## ۵.۱. فرضیات پژوهش

این تحقیق برای بررسی درستی فرضیات زیر انجام شده است:

۱. بسامد واژه‌های قرضی غیرارمنی در گفتار ارامنه ساکن شهر تهران، با بالا رفتن تحصیلات رابطه معکوس دارد.
۲. بسامد واژه‌های قرضی غیرارمنی در گفتار پسران ارمنی ساکن شهر تهران، بالاتر از دختران ارمنی ساکن شهر تهران است.
۳. در گفتار ارامنه ساکن شهر تهران، واژه‌های بومی فرهنگ و اقلیم ایران بیشترین مجموعه واژه‌های قرضی غیرارمنی را تشکیل می‌دهند.
۴. عمده واژه‌های قرضی غیرارمنی در گفتار ارامنه ساکن شهر تهران در مقوله شمول معنایی قرار می‌گیرند و جزو واژه‌های هم‌شمول می‌باشند.

## ۶.۱. روش گردآوری اطلاعات

روش انجام پژوهش، کتابخانه‌ای، توصیفی و نیز میدانی است. در بخش مربوط به پیشینه تحقیق و ارائه نظریه‌ها و راهکارهای موجود از روش کتابخانه‌ای و توصیفی استفاده شده است. برای به دست آوردن داده‌های زبانی، از «پرسش نامه تحلیل زبانی ویژه گونه‌های زبانی رایج ایران» برگرفته از پرسش‌نامه برای گردآوری گویش‌ها از بهرام فره‌وشی و فهرست موریس سوادش<sup>۱</sup> و روش میدانی (مصاحبه و ضبط صحبت‌های افراد) سود برده شده است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، مبتنی بر روش کمی خواهد بود.

## ۷.۱. ابزارها

ابزار مورد استفاده در تجزیه و تحلیل داده‌ها، پرسش‌نامه‌هایی است که در اختیار گویش‌وران ارمنی‌زبان قرار می‌گیرد تا با استناد به پاسخ‌های آن، فرضیه‌ها و پرسش‌های پژوهش به محک آزمایش گذاشته شود.

## ۸.۱. جمعیت نمونه

جامعه آماری که در این پژوهش مورد مطالعه قرار خواهد گرفت، نوجوانان ارمنی رده سنی ۱۸ - ۱۲ سال (مقطع تحصیلی راهنمایی و دبیرستان) و جوانان ۲۵ - ۱۹ (مقطع کارشناسی) خواهند بود. نمونه در اختیار و حجم آن ۵۰ نفر (۲۵ زن و ۲۵ مرد) خواهند بود.

---

<sup>۱</sup> Morris Swadesh

موریس سوادش (۱۹۰۹-۱۹۶۷) زبان‌شناس با نفوذ و جنجالی آمریکایی بود. شهرت وی به دلیل مطالعات گسترده بر روی زبان چیتی ماچا Chitimacha بود که امروزه، زبانی منسوخ است.

## ۹.۱. سازمان پژوهش

پژوهش حاضر شامل پنج فصل است. فصل اول، فصل حاضر، به ذکر مقدمات می‌پردازد و شامل تبیین موضوع، ضرورت تحقیق، پرسش‌ها، فرضیه‌ها، شیوه کار، روش گردآوری داده‌ها، ابزارها، جامعه نمونه، سازمان پژوهش و محدودیت‌های کار می‌باشد. فصل دوم، به پیشینه پژوهش، مطالعات داخلی و خارجی در خصوص موضوع پژوهش حاضر می‌پردازد. فصل سوم، به ملاحظات نظری و مفاهیم کلیدی اختصاص دارد. فصل چهارم، توصیف و تحلیل داده‌هاست که به بررسی پرسش‌نامه‌هایی می‌پردازد که در اختیار گویش‌وران ارمنی‌زبان قرار خواهد گرفت. نگارنده پس از بررسی این پرسش‌نامه‌ها، نظریات خود را پیرامون فرضیه‌ها و پرسش‌های پژوهش مطرح می‌کند. فصل پنجم نتیجه‌گیری است که در آن فرضیات مطرح‌شده بر اساس شواهد به دست آمده تأیید یا رد خواهند شد و در انتهای این فصل نیز پیشنهاداتی برای مطالعات آینده خواهد آمد. در پایان نیز فهرست منابع فارسی و غیرفارسی، واژه‌نامه‌های فارسی و معادل رایج آن‌ها و سپس پیوست‌ها که شامل جدول‌ها، نقشه‌ها و نمونه‌ای از پرسش‌نامه‌هایی است که در اختیار گویش‌وران ارمنی‌زبان قرار گرفته، آورده می‌شود.

## ۱۰.۱. محدودیت‌های پژوهش

زبان ارمنی در جامعه ایرانی، به عنوان زبان گروه اقلیت محسوب می‌شود لذا شمار افرادی که به این زبان سخن می‌گویند، اندک است؛ از طرف دیگر منابع موجود در حوزه پژوهش حاضر، اغلب پیشینه کاملاً مرتبطی را به موضوع پژوهش به دست نمی‌دهد. زیرا هنوز مسأله بررسی افراد دوزبانه ارمنی - فارسی در بسیاری از زوایای خود ناشناخته است و در جامعه زبان‌شناختی به چالش کشیده نشده است. لذا نگارنده به معرفی شماری از منابعی می‌پردازد که به طور کلی به بررسی دوزبانگی و مطالب پیرامون آن پرداخته بودند. به عنوان مثال شماری این پژوهش‌ها دوزبانگی افراد ترکی - فارسی و گلیلیکی - فارسی را

مورد بررسی قرار داده بودند. به بیانی دیگر، موضوع دوزبانگی در جامعه ایرانی بیشتر پیرامون زبان‌های ترکی، گیلکی و مازندرانی و غیره بررسی شده است.

## فصل دوم

---

# پیشینه پژوهش



## ۱.۲. مقدمه

در رابطه با موضوع اصلی این پژوهش، یعنی مطالعه موردی دوزبانه‌های ارمنی ایرانی و دلایل استفاده از وام‌واژه‌های فارسی در زبان محاوره‌ای آنها، تاکنون تحقیقی صورت نگرفته است. پژوهش‌های انجام شده در رابطه با زبان ارمنی، بیشتر در مورد دستور زبان ارمنی، بررسی واژه-های ایرانی در زبان ارمنی، توصیف نظام آوایی و نظام حالت در زبان ارمنی و غیره بوده است که در زیر به آن اشاره می‌شود. پژوهش‌های زیادی نیز در رابطه با مسأله دوزبانگی و طبقه‌بندی آن انجام گرفته که نتایج حاصل از آنها در این پژوهش استفاده شده است. پژوهش‌هایی نیز در رابطه با قرض‌گیری واژگانی در دیگر زبان‌ها انجام شده است که در این بخش به آن پرداخته می‌شود.

## ۲.۲. پیشینه مطالعات

لازم به ذکر است که مطالعات مربوط به موضوع پژوهش حاضر، که در ذیل به آن پرداخته می‌شود، شامل بررسی در مورد زبان ارمنی، دوزبانگی و قرض‌گیری زبانی می‌شود.

### ۱.۲.۲. مطالعات ایرانیان

#### ۱.۱.۲.۲. زبان ارمنی

آیوازیان (۱۳۷۱)، در بررسی وام‌واژه‌های ایرانی در ارمنی و تحول آوایی آنها به تاثیر زبان ایرانی در زبان ارمنی پرداخته و لغات شبیه بین زبان ایرانی و ارمنی را به ۴ قسمت تقسیم کرده‌است؛

۱- لغاتی که هر دو زبان از زبان هندواروپایی نخستین به ارث برده‌اند؛

۲- لغاتی که زبان ارمنی از زبان ایرانی گرفته‌است؛

---

<sup>1</sup> Bilingual

۳- لغاتی که چه زبان ایرانی و چه زبان ارمنی از یک زبان ثالث گرفته‌اند؛

۴- لغاتی که زبان ایرانی از زبان ارمنی گرفته‌است (آیوازیان ۱۳۷۱: ۱۲).

آقاجانیان (۱۳۸۲) در پایان‌نامه خود با عنوان *توصیف نظام آوایی زبان ارمنی معیار شرقی (گونه تهرانی)* به توصیف کامل نظام آوایی زبان ارمنی پرداخته که حاصل این پژوهش، استخراج ۱۷۲ آوا و ۳۶ واج است که در این یافته‌ها گروه‌های کمینه سه‌تایی (واکدار، بی‌واک دمشی، بی‌واک بدون دمش) اثبات شدند.

درغوکاسیان (۱۳۸۵) در پایان‌نامه خود با عنوان *توصیف و تحلیل نظام حالت در زبان ارمنی معیار (شرقی)*، نظام حالت را در زبان ارمنی بررسی کرده و به این نتیجه‌گیری رسیده است که زبان ارمنی معیار (شرقی) در چارچوب نظام حالت دارای هفت نوع حالت است.

#### ۲.۱.۲.۲. قرض‌گیری و دوزبانگی

احسانی (۱۳۷۲)، در پایان‌نامه خود با عنوان *واژه‌های قرضی زبان روسی در زبان فارسی به بررسی زبان‌شناختی پدیده قرض‌گیری به طور اعم و قرض‌گیری زبان فارسی از زبان روسی به طور اخص پرداخته است.*

چهرگانی منتظر (۱۳۷۲)، در پایان‌نامه خود تحت عنوان *واژه‌های قرضی ترکی در زبان فارسی* بیش از ۴۲۰۰ واژه ترکی در زبان فارسی را کشف و استخراج نموده است.

یاری (۱۳۷۴)، نیز در پایان‌نامه خود با عنوان *قرض‌گیری واژگان زبان ترکی آذری از زبان فارسی و بررسی علل و زمینه‌های آن* انواع تغییرات صورت گرفته در واژه‌های قرضی و بومی از جمله گسترش معنایی<sup>۱</sup>، تخصیص معنایی<sup>۲</sup> و همچنین تغییرات ساختاری را مورد بحث و بررسی قرار داده است.

<sup>۱</sup> Semantic expansion

<sup>۲</sup> Semantic narrowing

احمدی افزادی (۱۳۷۶) در پایان‌نامه خود با عنوان *طبقه‌بندی پدیده‌های قرضی در زبان فارسی به مسأله پدیده‌های قرضی در زبان فارسی پرداخته و به روش‌های رایج طبقه‌بندی پدیده‌های قرضی اشاره می‌کند. وی در ادامه، به بررسی عوامل مؤثر در قرض‌گیری زبان، همانند عوامل فرهنگی و اجتماعی، عامل دوزبانگی، عامل قیاس<sup>۱</sup>، عامل زبان آمیخته<sup>۲</sup> و آمیخته مادری<sup>۳</sup>، عامل ترجمه، دژ واژگی<sup>۴</sup> و عوامل فرعی پرداخته است. وی به مطالعات سنتی ایرانیان در این زمینه اشاره می‌کند و در ادامه تقسیم‌بندی واژه‌های قرضی را ارائه می‌دهد.*

ارجمندی (۱۳۸۱)، در پایان‌نامه خود با عنوان *تأثیر واژه‌های قرضی فارسی معیار، واژه‌های بومی گیلکی رشتی به بررسی تأثیر واژه‌های قرضی فارسی معیار بر واژه‌های گیلکی می-پردازد؛ وی بر این باور است که بسیاری از گویشوران گیلکی با وجود واژه‌های اصیل خود، تمایل دارند که از معادل‌های فارسی آن‌ها استفاده کنند.*

رجب‌زاده (۱۳۸۱)، در پایان‌نامه خود با عنوان *برخورد زبانی میان فارسی، مازندرانی و ترکی در شهرستان گلوگاه تأثیرات واژگانی (قرض‌گیری واژگانی) و علل آن را مورد بررسی قرار می‌دهد.*

جویباری (۱۳۸۵)، در پایان‌نامه خود با عنوان *بررسی تفاوت بین نسلی در کاربرد واژه‌های مازندرانی جویباری به بررسی میزان کاربرد زبان مازندرانی در میان نسل‌های مختلف پرداخته است.*

معمورئی (۱۳۸۶)، در پایان‌نامه خود با عنوان *بررسی تأثیر همبستگی میان میزان تحصیلات و کاربرد واژه‌ها در گونه نیشابوری به بررسی تحلیل زبان‌شناختی تأثیر تحصیلات در رابطه با افزایش کاربرد برخی ویژگی‌های معیار زبانی در گروه‌های تحصیلی با گروه سنی زیر ۲۲ پرداخته است.*

---

<sup>1</sup> analogy

<sup>2</sup> pidgin

<sup>3</sup> creole

<sup>4</sup> Linguistic taboo

## ۲.۲.۲. مطالعات غیرایرانیان

### ۱.۲.۲.۲. زبان ارمنی

آقایان در کتاب خود با عنوان *مبانی زبان‌شناسی*، به علم زبان‌شناسی به طور کامل و نیز زبان‌شناسی ارمنی پرداخته است. وی در این اثر کلی، مباحث زبان‌شناسی را به تفصیل مورد بررسی قرار داده است (آقایان ۱۹۸۷).

خاچیکیان در مقاله خود تحت عنوان «مشکلات دوزبانگی در ارمنستان» به مساله دوزبانگی به ویژه دوزبانگی ارمنی-روسی و اهمیت یادگیری زبان روسی در کشورهای اتحاد جماهیر شوروی سابق پرداخته است. وی بر این باور است که امروزه اکثر جمعیت جهان، دوزبانه و چندزبانه هستند. به خصوص در مناطقی که ساکنان آن دارای سوابق قومی متفاوت هستند و دوزبانگی به عنوان ارتباط بین فرهنگی مشهود است (خاچیکیان ۲۰۰۵).

خاچیکیان به نقل از ترمیناسوا<sup>۱</sup> (۲۰۰۰)، دوزبانگی را به عنوان تعامل بین افرادی که دارای فرهنگهای متفاوتی هستند می‌داند (همان).

### ۲.۲.۲.۲. قرض‌گیری و دوزبانگی

غیرایرانیان پژوهش‌های بسیاری در رابطه با قرض‌گیری و دوزبانگی انجام داده‌اند که در ذیل به شماری از موارد مرتبط با پژوهش حاضر پرداخته می‌شود.

بلومفیلد<sup>۲</sup> در اثر خود با عنوان *زبان*<sup>۳</sup> به بحث در مورد قرض‌گیری زبانی پرداخته است. و بین سه نوع قرض‌گیری با نام‌های قرض‌گیری فرهنگی<sup>۴</sup>، قرض‌گیری درونی<sup>۵</sup> و قرض‌گیری

---

<sup>۱</sup> Ter-Minasova

<sup>۲</sup> Bloomfield

<sup>۳</sup> Language

<sup>۴</sup> Cultural borrowing

<sup>۵</sup> Intimate borrowing

گوشی<sup>۱</sup> تمایز قائل شده است. وی قرض‌گیری را عموماً دوطرفه و علت قرض‌گیری را تبادلات عناصر فرهنگی بین جوامع زبانی دانسته است، بدین معنی که هر جامعه زبانی با دادن عناصر فرهنگی به جامعه دیگر، واژه‌های مربوط به آن عناصر را نیز به جامعه مورد نظر قرض می‌دهد و جامعه قرض‌گیرنده نیز به نوبه خود ممکن است عناصر فرهنگی خاص را به جامعه مقابل قرض داده و در کنار آن واژه‌های بومی خود را نیز قرض دهد. بلومفیلد قرض‌گیری گوششی را قرض‌گیری یک گوش از گوش دیگر دانسته که معمولاً داخل یک منطقه زبانی رخ می‌دهد. در مورد قرض‌گیری درونی می‌گوید، این نوع قرض‌گیری در درون مرزهای یک کشور از طرف زبان زیرین<sup>۲</sup> به زبان زیرین<sup>۳</sup> صورت می‌گیرد و بنابراین جریان قرض‌گیری یک طرفه است (بلومفیلد ۱۹۳۳: ۴۹۳-۴۴۵).

واین رایش (۱۹۶۳) انگیزه اصلی قرض‌گیری را کسب اعتبار می‌داند و بر این باور است، هرگاه یکی از دو زبان نسبت به دیگری از جایگاه اجتماعی و اعتبار بالاتری برخوردار باشد، مردم از آن زبان واژه‌های بیشتری قرض می‌گیرند تا از این طریق اعتبار کسب کنند (رومین ۱۹۸۹: ۱۵۵).

لاند<sup>۴</sup> در کتاب خود به ارتباط میان زبان‌ها در مقطع تاریخی اشاره می‌کند. وی چنین ارتباطی را جغرافیایی یا ارثی می‌داند. وی در ادامه بیان می‌دارد که منشأ هر دو هم‌جواری است که به نوبه خود منجر به پیدایش پدیده‌هایی مانند قرض‌گیری و دو زبانی می‌شود (لاند ۱۹۶۸: ۴۷۳).

آرلاتو<sup>۵</sup> از دیدی تاریخی به مسأله قرض‌گیری واژگانی نگریسته و مثال‌های قابل توجهی را از قرض‌گیری تاریخی زبان‌ها ذکر کرده است و قرض‌گیری‌های واژگانی را مرتبط با قرض‌گیری‌های فرهنگی نیز دانسته است. وی به تغییرات واجی واژه‌های گرفته‌شده در زبان

---

<sup>1</sup> Dialect borrowing

<sup>2</sup> Upper language

<sup>3</sup> Lower language

<sup>4</sup> Land

<sup>5</sup> Arlotto

قرض‌گیرنده اشاره می‌کند و در این مورد به شاهد مثال‌هایی از زبان ترکی بسنده می‌کند (آرلاتو ۱۹۷۲: ۱۸۹-۱۸۳).

لاینز<sup>۱</sup> نقش دوزبانه‌ها را در قرض‌گیری مورد تأکید قرار می‌دهد. به اعتقاد وی هرگاه سخنگویان دو فرهنگ زبانی و به ویژه دوزبانه‌ها نتوانند با استفاده از واژه‌های بومی زبان‌شناسان موضوعی را بیان کنند مجبور به قرض‌گیری از زبان دیگر می‌شوند (لاینز ۱۹۸۱: ۲۰۸-۲۰۲).

بیتنز<sup>۲</sup> و بردسمور<sup>۳</sup> از دوزبانه‌های مهاجر و غیرمهاجر نام می‌برد و معتقد است دوزبانه‌های مهاجر استعداد بیشتری برای قرض‌گیری واژه‌ها و آمیزه‌های قرضی دارند. زیرا به باور وی به دلیل تفاوت‌های فرهنگی و محیطی ملزمند تا بسیاری از واژه‌ها را قرض بگیرند که برای آنها معادلی در زبان بومی خود نمی‌یابند. (بیتنز و بردسمور ۱۹۸۴: ۱۵۵)

کمری<sup>۴</sup> مجاورت جغرافیایی را مهم‌ترین عامل مؤثر در قرض‌گیری می‌داند و بر این باور است که زبان‌های یک یا چند منطقه جغرافیایی را می‌توان بر حسب واژه‌های قرضی‌شان و سایر مختصات مشترک رده‌بندی کرد (کمری ۱۹۹۰: ۴۴۷).

هاک<sup>۵</sup> مفصلاً قرض‌گیری واژگانی را مورد بحث قرار داده و آن را نتیجه برخورد زبانی دانسته است. از جمله عواملی که وی در قرض‌گیری واژگانی دخیل می‌داند عبارتست از نیاز و اعتبار اجتماعی<sup>۶</sup>. هاک چنین نتیجه می‌گیرد که عوامل اجتماعی-زبانی از مهمترین عوامل مؤثر در قرض‌گیری می‌باشند (هاک ۱۹۹۱: ۴۱۰-۳۸۰).

کول ماس<sup>۷</sup> طبقه‌بندی جامعی از دوزبانه‌ها ارائه کرده است. به باور وی دوزبانگی در کشورهای مختلف از هم متفاوت است. همچنین دوزبانگی اعضای هر یک از این جوامع با

---

<sup>1</sup> Lyons  
<sup>2</sup> Beatens  
<sup>3</sup> Beardsmore  
<sup>4</sup> Comrie  
<sup>5</sup> Hock  
<sup>6</sup> Prestige  
<sup>7</sup> Coulmas

دیگری متفاوت است وی دوزبانگی را شامل دو نوع «دوزبانگی هم‌زمان»<sup>۱</sup> و «دوزبانگی متوالی»<sup>۲</sup> می‌داند. وی در این تقسیم‌بندی تأکید بر آن دارد که آیا زبان اول و زبان دوم هم‌زمان آموخته شده‌اند یا زبان دوم پس از یادگیری زبان اول آموخته شده است. طبقه‌بندی دیگر وی، «دوزبانگی افزایشی»<sup>۳</sup> و «دوزبانگی کاهشی»<sup>۴</sup> است. به باور وی، در دوزبانگی افزایشی، افزایشی، گنجینه زبانی فرد با آموختن زبان دوم، گسترش می‌یابد و در دوزبانگی کاهشی، یادگیری زبان دوم، منجر به جایگزین شدن زبان دوم در زبان اول می‌شود. وی در ادامه بیان می‌دارد که براساس انواع دوزبانگی، گنجینه زبانی افراد در طول زندگی آنها ثابت نمی‌ماند. به بیانی دیگر، همواره زبان نخست شخص، زبان اصلی آن فرد باقی نمی‌ماند. وی انتخاب زبان شخص را در محیط‌های چندزبانه، بسته به موقعیت اجتماعی و کاربرد آن زبان‌ها می‌داند (کول‌ماس ۲۰۰۵: ۱۳۰).

در زمینه انواع دو زبانه‌ها باتلر<sup>۵</sup> و هاکوتا<sup>۶</sup> دوزبانه‌ها را به گروه‌هایی طبقه‌بندی می‌کنند. آنان به نقل از پیل<sup>۷</sup> و لمبرت<sup>۸</sup> (۱۹۶۲)، دو زبانه‌ها را به گروه «دوزبانه‌های هم‌پایه»<sup>۹</sup> و «دوزبانه‌های غالب»<sup>۱۰</sup> یا «ناهم‌پایه»<sup>۱۱</sup> طبقه‌بندی می‌کنند. به باور اینان، دوزبانه‌های هم‌پایه، در هر دو زبان مهارت یکسان دارند. در حالی که دو زبانه‌های غالب یا ناهم‌پایه، در یکی از زبانها مهارت بیشتری به نسبت دیگری دارند (باتلر و هاکوتا ۲۰۰۶: ۱۱۵).

در ادامه آنان به نقل از واین‌رایش، گروه سوم را نیز در نظر گرفته‌اند. این گروه از دوزبانه‌ها، دو زبانه‌های «پیرو یا وابسته»<sup>۱۲</sup> نامیده می‌شوند. به باور اینان، مهارتی که این افراد در درک و

---

<sup>1</sup> Simultaneous bilingualism

<sup>2</sup> Sequential bilingualism

<sup>3</sup> Additive bilingualism

<sup>4</sup> Subtractive bilingualism

<sup>5</sup> Butler

<sup>6</sup> Hakuta

<sup>7</sup> Peal

<sup>8</sup> Lambert

<sup>9</sup> Balanced bilinguals

<sup>10</sup> Dominant bilinguals

<sup>11</sup> Unbalanced bilinguals

<sup>12</sup> Subordinate bilinguals

توانایی صحبت کردن در دو زبان از خود نشان می‌دهند یکسان نیست. در این گروه، کدهای زبان‌شناختی زبان دوم، به وسیلهٔ زبان اول تعبیر معنایی می‌شود (باتلر و هاکوتا ۲۰۰۶: ۱۱۶).

باتلر و هاکوتا در ادامه به نقل از فیش من<sup>۱</sup> (۱۹۷۷)، طبقه‌بندی براساس متغیرهای اجتماعی انجام می‌دهند. آنان از «دوزبانه‌های عامی یا قومی»<sup>۲</sup> و «دوزبانه‌های نخبه»<sup>۳</sup> نام می‌برند. دوزبانه‌های عامی گروه زبانی اقلیت هستند که زبان آن‌ها در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، زبان غالب جامعه و دارای موقعیت بالا نیست. اما در دو زبان‌های خاص، افراد علاوه بر این که زبان غالب جامعه را صحبت می‌کنند، زبان دیگری نیز می‌دانند که بر ارزش اجتماعی آن‌ها می‌افزاید (همان: ۱۱۸).

### ۳.۲. جمع‌بندی

در ابتدای فصل دوم پس از بیان مقدمه‌ای کوتاه، مروری اجمالی بر مطالعات و تألیفات زبان‌شناسان ایرانی و غیرایرانی صورت گرفت. مطالعات و دستاوردهای این افراد موارد مختلفی را پیرامون موضوع پژوهش حاضر در بر می‌گیرد. موارد ذکرشده در این بخش موارد ذیل را شامل می‌شود:

- بررسی نظام آوایی و نظام حالت زبان ارمنی
- بررسی وام‌واژه‌های ایرانی در ارمنی
- بررسی عوامل مؤثر در قرض‌گیری زبانی
- طبقه‌بندی انواع دوزبانه‌ها

---

<sup>1</sup> Fishman

<sup>2</sup> Folk bilinguals

<sup>3</sup> Elite bilinguals



## فصل سوم

---

# ملاحظات نظری

### ۱.۳. مقدمه

در این فصل، ملاحظات نظری مربوط به پژوهش حاضر مورد بررسی قرار خواهند گرفت. ابتدا به بحث جامعه‌شناسی زبان و کلیات مربوط به آن که شامل مطالب مربوط به مطالعه زبان در بافت اجتماعی آن و بررسی دیدگاه‌های زبان‌شناسان و جامعه‌شناسان زبان است، پرداخته می‌شود. در ادامه، تاریخچه مختصری از قوم ارمنی آورده شده است. سپس توضیحاتی درباره زبان ارمنی و تحولات و بررسی زبان‌شناختی آن ذکر شده است.

### ۲.۳. جامعه‌شناسی زبان

هر چند که خصلت اجتماعی زبان به طور کلی مورد پذیرش و تأکید دانشمندان قرار داشته و زبان همواره یک نهاد اجتماعی به شمار آمده است، اما تا همین اواخر به نقش عوامل اجتماعی در ساخت، کاربرد و تحول زبان چندان توجهی نمی‌گردید. بیشترین رشد در زمینه جامعه‌شناسی زبان در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ رخ داده است که نشان دهنده جوان بودن این رشته است. البته این بدان معنی نیست که مطالعه زبان در رابطه با جامعه در دهه ۱۹۶۰ ابداع شده، بلکه برعکس مطالعه عمومی روابط بین معنی لغوی و فرهنگ که هر دو طبق تعریف در جامعه‌شناسی زبان می‌گنجد سنتی است که از زمان‌های بسیار قدیم رایج بوده است. آنچه جدید است، توجه گسترده به جامعه‌شناسی زبان، ماهیت زبان و ماهیت جامعه است (مدرسی ۱۳۶۸: ۱۳).

ترادگیل<sup>۱</sup> (۱۹۷۴) جامعه‌شناسی زبان را رشته‌ای از زبان‌شناسی می‌داند که با زبان به عنوان پدیده‌ای فرهنگی و اجتماعی سروکار دارد. وی در ادامه بیان می‌دارد که این رشته در زمینه

---

<sup>۱</sup> P. Trudgill

زبان و جامعه به پژوهش می‌پردازد و با علوم اجتماعی<sup>۱</sup>، به ویژه روان‌شناسی اجتماعی<sup>۲</sup>، مردم‌شناسی<sup>۳</sup>، جغرافیای انسانی<sup>۴</sup> و جامعه‌شناسی<sup>۵</sup> ارتباط نزدیکی دارد (طباطبایی ۱۳۷۶: ۴۲).

مطالعات افرادی مانند ویلیام لباو<sup>۶</sup> را باید از نخستین گام‌های اساسی در جامعه‌شناسی زبان دانست، زیرا در همین بررسی‌هاست که با بهره‌گیری از روش‌های جامعه‌شناسی و زبان‌شناسی، برای نخستین بار همبستگی متغیرهای زبانی و اجتماعی به شیوه‌ای علمی و منظم نشان داده می‌شود. لباو بر این باور است که بررسی زبان در بافت اجتماعی آن در واقع موضوع اصلی علم زبان‌شناسی است. به باور وی، زبان‌شناسی اجتماعی همان زبان‌شناسی به معنی واقعی کلمه است و چنانچه مطالعات زبانی به درستی انجام گیرند، دیگر نیازی به افزودن صفت «اجتماعی» به آن و به وجود آمدن یک رشته فرعی نیست. با این همه، در حال حاضر «زبان-شناسی» به مطالعه ساخت زبان در سطوح مختلف می‌پردازد، بدون آن‌که عوامل اجتماعی را در این بررسی دخالت دهد. بررسی زبان در بافت اجتماعی - فرهنگی آن، موضوع یکی از شاخه‌های این علم یعنی «جامعه‌شناسی زبان» یا «زبان‌شناسی اجتماعی» است. به عبارت دیگر، زبان‌شناسی محض بیشتر به بعد ساختاری<sup>۷</sup> زبان می‌پردازد و ساخت زبان را توصیف می‌کند و جامعه‌شناسی زبان بیشتر به بعد نقشی<sup>۸</sup> زبان توجه دارد (مدرسی ۱۳۶۸: ۱۳).

### ۱.۲.۳. نظریات مختلف پیرامون جامعه‌شناسی زبان و زبان‌شناسی اجتماعی

برخی از زبان‌شناسان میان دو اصطلاح جامعه‌شناسی زبان و زبان‌شناسی اجتماعی تمایز قائل شده‌اند. فیش من بر این باور است که جامعه‌شناسی زبان حوزه‌ای گسترده‌تر دارد و برخورد آن

---

<sup>1</sup> Social Science

<sup>2</sup> Social Psychology

<sup>3</sup> Antropology

<sup>4</sup> Human Geography

<sup>5</sup> Sociology

<sup>6</sup> W. Labov

<sup>7</sup> Structural dimension

<sup>8</sup> Functional dimension

با زبان، بیشتر جامعه شناختی است. اما زبان‌شناسی اجتماعی در واقع همان زبان‌شناسی است که در مطالعه زبان، بافت اجتماعی- فرهنگی را نیز مورد توجه قرار می‌دهد (مدرسی ۱۳۶۸: ۱۵).

لباو (۱۹۷۲) نیز بیان می‌دارد که جامعه‌شناسی زبان عوامل اجتماعی و ارتباط متقابل آنها را با زبان در سطحی کلان مورد بررسی قرار می‌دهد و زبان‌شناسی اجتماعی به مطالعه زبان در بافت اجتماعی می‌پردازد (مدرسی ۱۳۶۸: ۱۵).

هادسن (۱۹۸۰) نیز جامعه‌شناسی زبان را مطالعه زبان به عنوان یک پدیده اجتماعی و زبان-شناسی اجتماعی را بررسی زبان در ارتباط با جامعه می‌داند (همان: ۱۵).

### ۳.۳. جامعه زبانی<sup>۱</sup>

در تعریفی جامع، جامعه زبانی عبارتست از: گروهی از افراد که معمولاً در یک منطقه جغرافیایی پیوسته زندگی می‌کنند، دارای همبستگی‌های فرهنگی، اجتماعی، روانی و تاریخ هستند و از یک زبان مشترک (با تنوعات جغرافیایی و اجتماعی درونی) برای ارتباط با یکدیگر استفاده می‌کنند، یک جامعه زبانی را تشکیل می‌دهند. هر جامعه زبانی بر حسب تنوعات محلی و اجتماعی درونی آن، می‌تواند شامل یک یا چند جامعه گفتاری باشد (مدرسی ۱۳۶۸: ۲۳).

#### ۱.۳.۳. تعاریف مختلف از جامعه زبانی

تعاریف متعددی از جامعه زبانی وجود دارد. در واقع زبان‌شناسان با استفاده از معیارهایی مانند «زبان مشترک»، «وسیله ارتباط» و «اجتماع انسانی» تعاریفی از جامعه نمونه به دست دادند و هریک در تعاریف خود تنها بر معیاری از معیارهای ذکر شده تأکید دارند. شماری از این تعاریف در ذیل آمده است.

---

<sup>1</sup> Language/ linguistic community